



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 چهارشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۷۷ - ۱۰ فوریه ۱۹۹۹ - دوره سوم - شماره ۲۰۱
 KAR. No. 201 Wednesday 10. Feb. 1999

مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۲۰۱ - چهارشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۷۷

- سرمقاله انقلاب بهمن و جنبش آزادیخواهانه
- یادداشت علیه توطئه به فراموشی سپردن جنایات
- دادگاه عمومی تهران پروانه نشریه آدینه را لغو کرد
- نگرانی نسبت به سرنوشت زندانیان سیاسی افزایش یافته است
- احمد بورقانی، معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد استعفا داد
- عضویت در شوراها حق بدیهی هر شهروند ماست!
- مردم دستگیری و مجازات قاتلین را می خواهند
- اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت فرارسیدن ۱۹ بهمن
- اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) پیرامون انتخابات شوراها

با کار تماس بگیرید

سرمقاله

انقلاب بهمن و جنبش آزادیخواهان

دو دهه از انقلاب بهمن گذشت، انقلابی که در آن وسیعترین توده‌ها بمیدان آمدند و بر رژیم سلطنتی موروثی و حکومت استبداد فردی آن نقطه پایان گذاردند. پایان یافتن رژیم سلطنتی که دهها قرن بر ایران حاکم بود و شاهان بر جان و مال مردم تسلط داشتند و با استبداد بر کشور حکومت می‌راندند، موفقیت بزرگی برای مردم ما و ثمر انقلاب بهمن بود. ولی از بطن انقلاب، حکومت استبدادی فقها بیرون آمد که با خشونت بی‌سابقه‌ای نیروهای آزادیخواه کشور را سرکوب و خفقان را بر کشور حاکم گرداند. مردم ما با حاکمیت استبدادی فقها به آزادی دست نیافتند و آزادی که یکی از شعارهای اصلی انقلاب بهمن بود، همچنان بعنوان مسئله مبهم جامعه ما باقی ماند.

رژیم استبدادی برآمده از انقلاب بهمن نتوانست مبارزات نیروهای آزادیخواه برای دستیابی به آزادی را متوقف سازد و مبارزه آنها علیه استبداد حاکم باشکال مختلف با افت و خیزهایی تداوم یافت. این مبارزات از انتخابات دوم خرداد به این سو اوج جدیدی گرفت و نیروهای اجتماعی و سیاسی وسیعتری را بمیدان آورد. در این دو سال مردم با وجود مواجه با مشکلات جدی اقتصادی، بیش از پیش به اهمیت و نقش مسئله آزادی در جامعه پی‌بردند. شعار ((مرگ بر استبداد، زنده باد آزادی)) می‌رود که به شعار محوری مبارزه جاری در کشورمان فرا روید. در گردهمایی‌ها و تظاهراتی که دانشجویان در دانشگاه و بیرون از آن برپا می‌کنند، در تظاهراتی که بمناسبت‌های مختلف برگزار می‌شود و نیروهای مختلف سیاسی در آن شرکت دارند، همه همصدا این شعار را فریاد می‌زنند. حول این شعار بتدریج وسیعترین نیروها گرد می‌آیند.

جنبش آزادیخواهان از کجا ریشه گرفته است؟ چه رابطه‌ای بین انقلاب بهمن و این جنبش وجود دارد؟ در طی دو دهه گذشته از جانب بخشی از نیروها بویژه سلطنت‌طلبان و مشروطه خواهان، انقلاب بهمن به شدیدترین وجه مورد حمله قرار گرفته و بعنوان نقطه تماما سیاه در تاریخ جامعه و منشا تمام بدبختی‌ها و فلاکت‌ها تلقی می‌گردد. مدافعین سلطنت، سیاست‌ها و عملکردهای ارتجاعی حکومت اسلامی را دستاویز نفی کامل انقلاب بهمن قرار می‌دهند تا حرکت عظیم مردم را علیه سلطنت و رژیم استبدادی شاه زیر سؤال برند و بازگشت به گذشته را تنها راه‌هایی مردم از شر حکومت اسلامی نشان دهند.

کسانی که از یکسو انقلاب بهمن را تماما ثمر و منشا تمام بدبختی‌ها و فلاکت‌ها می‌دانند و از سوی دیگر واقعیت جنبش آزادیخواهان کنونی را قبول دارند، نمی‌توانند پیوند بین انقلاب بهمن و جنبش آزادیخواهان کنونی را دریابند. در توضیح این پیوند، ابتدا باید بر این واقعیت مسلم تاکید کرد که حکومت اسلامی جامعه ما را با بحران‌ها و مشکلات عظیمی روبرو ساخته و کشور ما را در عرصه‌هایی عقب برده است. و این حکومت محصول انقلاب بهمن است. ولی لازمست بر یک واقعیت دیگر نیز تاکید کرد که انقلاب بهمن لزوماً با حکومت اسلامی یکسان نیست. انقلاب بهمن فراتر از حکومت اسلامی است. آنرا نمی‌توان با رژیم حاکم توضیح داد. این انقلاب، توده‌ای‌ترین انقلاب در دهه‌های گذشته بود که در آن وسیع‌ترین نیروهای سیاسی و اجتماعی با خصوصیات و خواسته‌های متفاوت و متناقض شرکت داشتند. در انقلاب بهمن، شعار مردم تنها استقرار جمهوری اسلامی نبود، بلکه مردم آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی اصلی‌ترین شعارهای انقلاب بود.

انقلاب بهمن، انقلابی بود با خصلت‌های متضاد و متناقض و دارای جوانب مختلف. خصوصیات متضاد آن را قبل از هر چیز می‌توان در ترکیب نیروهای شرکت کننده در آن، در شعارهای انقلاب و در قانون اساسی ناشی از آن مشاهده کرد.

در این انقلاب از یکسو اقشاری که به جامعه سنتی متعلق بودند، شرکت داشتند. این اقشار با مدرنیسم و فرهنگ نو مخالف بوده و می‌خواستند تمام روزنها را برای نفوذ فرهنگ غربی ببندند و موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود را که با رشد سرمایه‌داری به خطر افتاده بود، احیا کنند. آنها در حفظ جامعه سنتی ذینفع بودند و تحقق خواسته‌های خود را در استقرار حکومت اسلامی می‌دیدند. از سوی دیگر نیروها و اقشاری در انقلاب شرکت داشتند که جزو اقشار مدرن جامعه بوده و با سلطنت استبدادی شاه مخالفت داشتند و آنرا سد و مانع پیشرفت جامعه می‌دانستند. اقشار سنتی و مدرن در کنار هم علیه سلطنت بپاخواستند و رژیم شاه را برانداختند. ولی حکومت برآمده از انقلاب، جریانهای سیاسی کشور را گام بگام حذف و سرکوب نمود. این نیروها گرچه بخاطر سرکوب، لطمات فراوانی را متحمل شدند ولی باشکال مختلف به حیات خود ادامه دادند و با وجود موانع متعدد، اندیشه‌ها و افکار و خواسته‌های خود را در جامعه اشاعه دادند و در رشد جنبش آزادیخواهی در کشور نقش مهمی ایفا نمودند.

جنبه دیگر تناقض انقلاب بهمن را می‌توان در شعار ((استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی)) بوضوح مشاهده کرد. نیروهایی که قدرت سیاسی را قبضه نمودند، به شعار آزادی پشت کردند و تمام نیروی خود را برای استقرار حکومت اسلامی و برپایی نهادهای وابسته به آن بکار گرفتند و در عمل نشان دادند که رژیم استبدادی فقها با آزادی و جمهوری عمیقاً در تناقض است. اما آنها نتوانستند خواست عمومی برای تامین آزادی‌های سیاسی،

تامین حقوق بشر و حق رای مردم در انتخابات ارگانهای دولتی و مسئولین کشور را از بین ببرند. این خواستها همچنان بعنوان خواسته‌های مردم و شعارهای تحقق نیافته انقلاب باقی مانده‌اند.

بارزترین تناقض انقلاب بهمن در قانون اساسی آن منعکس است. در این قانون جمهوری اسلامی از یکسو بر پایه نظام سیاسی ولایت فقیه و ساختارهای مربوط به آن (ولی فقیه، مجلس خبرگان، شورای نگهبان و...) پی‌ریزی شده است و از سوی دیگر بر پایه جمهوریت (رئیس جمهور، مجلس شورا، شوراهای محلی و...). بعلاوه در آن ماده‌هایی در تامین حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی (البته با شروط) گنجانده شده است. این دو ساختار با هم در تضاد هستند.

وجود دیگر تناقض در انقلاب بهمن، در بدست گرفتن قدرت سیاسی توسط نیرویی است که منشا اجتماعی، خصوصیات و خواسته‌های متفاوت و گاه متضاد دارند. گرچه برای آندو حفظ جمهوری اسلامی بالاتر از هر چیز قرار دارد ولی طی ۲۰ سال همواره کشمکش بین این دو نیرو جریان یافته است. بخشی از این نیرو که بعنوان ((خط امام)) نامیده شد در تحولات سیاسی دو دهه اخیر به ضرورت آزادیهای محدود سیاسی رسید. این نیرو معتقد به فرم سیاسی در حکومت اسلامی است ولی جناح حاکم مخالف سرسخت فرم و تامین آزادیهای سیاسی در کشور است. حضور این نیرو که امروز به ضرورت اصلاحات پی برده است در قدرت سیاسی، به کشمکش‌های درون حکومت دامن زده است و تناقضات حکومت اسلامی را تشدید کرده است.

و بالاخره اینکه انقلاب بهمن نیروهایی از جامعه را به صحنه سیاسی و اجتماعی کشور کشاند که شاید در روندهای متعارف، دهها سال طول می‌کشید تا این نیرو از جایگاه خود تکان بخورند و به عرصه اجتماعی پا بگذارند. وقتی این نیرو وارد عرصه سیاسی و اجتماعی شد بر تبعیضات، ناعدالتی‌ها و بی‌حقوقی‌هایی پی‌برد و گام در راه کسب حقوق خود گذاشت و از نیروی مدافع حکومت اسلامی به نیروی معترض درون حکومت فرا روئید و جنبه دیگری از تناقضات انقلاب بهمن را به نمایش گذاشت.

حکومت برآمده از انقلاب بهمن بعد از گذشت دو دهه از عمر آن، هنوز با بحرانها و تلاطمات جدی روبروست. این امر در درجه اول به ماهیت نیروهای حاکم، دیدگاهها و برنامه آنها برمی‌گردد که با خصوصیات زمان و سطح پیشرفت جامعه همخوانی ندارد و از سوی دیگر با خصلت‌های متضاد انقلاب بهمن و پتانسیل‌های نهفته در آن رابطه برقرار می‌کند. بعید بنظر می‌رسد که نیروهای ارتجاعی با سرکوب بتوانند نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب را حذف و به حیات رژیم ولایت مطلقه فقیه تداوم بخشند.

انقلاب بهمن حکومت استبدادی فقها را بر سر کار آورد که جامعه ما را با مشکلات بی‌سابقه‌ای روبرو ساخت، اما این امید وجود دارد که جنبش آزادیخواهانه که ریشه در مبارزات یکصدساله مردم ایران دارد و با انقلاب بهمن پیوند خورده است، استبدادی را که خود بر روی کار آورد به زیر بکشد و آرزوی دیرینه مردم این مرز و بوم را که برقراری دموکراسی و حکومت دمکراتیک در کشور است، جامه عمل پوشاند.

دادگاه عمومی تهران پروانه نشریه آدینه را لغو کرد

شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران روز سه‌شنبه ۱۳ بهمن ماه پروانه نشریه آدینه را به طور دائم لغو کرد و غلامحسین زاکری مدیر مسئول آن را به پرداخت جریمه سنگین ۹ میلیون ریال محکوم نمود. این دادگاه اتهام زاکری را ((نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی و اصرار در چاپ مطالب خلاف عفت عمومی)) اعلام کرد. دادگاه مدیر مسئول آدینه در هفته اول بهمن ماه امسال برگزار شد. مواردی که دادگاه به عنوان اتهامات مدیر مسئول این نشریه به آن‌ها استناد کرده است، مقالات ((شادی در شهر ماه گم شده، خندیدن گناه!)) در شماره ۱۲۸ این نشریه، ((هدایت تحسین کننده ذات زنانه)) در شماره ۱۲۹، ((تیزگوشی)) در شماره ۱۳۱ و ((حوالی کافه شوکا)) در شماره‌های ۱۳۲ و ۱۳۳ آدینه بوده است.

ماهنامه آدینه که اخیراً هر دو هفته یک بار منتشر می‌شد، یکی از نخستین نشریاتی بود که در دهه ۶۰ با استقلال نسبی از دولت منتشر شد و مورد استقبال روشنفکران کشور قرار گرفت. در شرایط خفقان شدید حاکم بر کشور ما، نشریه آدینه توانست محوری برای طرح بحث‌های سازنده از جمله در زمینه احیای دوباره کانون نویسندگان ایران باشد. بسیاری از نویسندگان آزاده کشور مانند زنده‌یادان محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، در این نشریه مقاله می‌نوشتند. ما حکم ظالمانه دادگاه علیه آدینه را محکوم می‌کنیم. حتی اگر مستبدین بتوانند مانع انتشار آدینه شوند، خدمات این نشریه به فرهنگ باز و دموکراتیک در کشور ما هرگز فراموش نخواهد شد.

یادداشت

علیه توطئه به فراموشی سپردن جنایات

پس از صدور اطلاعیه کمیته تحقیق در مورد قتل‌های اخیر، که دستوردهندگان و سازمان‌دهندگان و مجریان این جنایات هولناک را محدود به یک محفل بدون ارتباط با ارگان‌ها، جناح‌ها و شخصیت‌های رهبری نظام اعلام کرد، موج وسیعی از اعتراض و انزجار برانگیخته شد. در برخی مطبوعات منتشره در کشور، همچون خرداد و صبح امروز، اظهارنظرهایی به چاپ رسید که در آن‌ها گفته می‌شود از این اطلاعیه بوی مشمئزکننده سازش به مشام می‌رسد. برخی دانشجویان و دیگر آزادی‌خواهان فعال در صحنه سیاسی کشور، در مورد سازش پشت‌پرده و خیانت شعار دادند. برای بسیاری از ناظران آشکار بود که اختلافات واقعی و کشمکش‌های جناحی بر زمینه دغدغه مشترک زیر سوال نرفتن کلیت ارگان‌های امنیتی و شخصیت‌های طراز اول حکومت و پای‌بندی مشترک و اکید همه حکومتیان در رعایت مصالح نظام و ضرورت حفظ آن به هر قیمت به توافق پشت‌پرده برای ((به هم آوردن سر و ته قضیه)) انجامیده است. اطلاعیه کمیته تحقیق منتخب آقای خاتمی گامی در راستای اجرای سیاست ((پایین کشیدن فتیله)) ماجرای قتل‌ها بود.

از آن پس تلاش برای مسکوت گذاشتن این جنایات و از این طریق از زیر ضرب خارج کردن مسببین آن به ویژه وزارت اطلاعات ادامه یافت. کشمکش بر سر انتخابات شوراها و موضوع حذف کاندیداهای غیروابسته به جناح راست سنتی و برگزاری برنامه‌های گوناگون به بهانه بیستمین سالگرد انقلاب، خود کمکی بود برای به حاشیه راندن موضوع قتل نویسندگان و مبارزین سیاسی دگراندیش. نقشه پلید رفسنجانی برای به فراموشی کشاندن ترورهای حکومتی در ایران در حال اجراست. اکنون در نشریات غیرحکومتی و منتقد نیز خواسته و ناخواسته موضوع قتل‌ها به امری فرعی تبدیل شده است.

از سوی دیگر توطئه مسکوت گذاردن ترورهای وزارت اطلاعات، بیم تکرار جنایات اخیر را در میان دگراندیشان افزایش داده است. شک نیست که اگر سر این مار کوبیده نشود، در اولین فرصت نیش زهرآگینش را در پیکری از نخبگان کشور ما فرو خواهد برد. با تمام قوا نباید گذاشت توطئه به فراموشی سپردن ترورهای اخیر پیش رود و مجریان و دستوردهندگان ترورها در سطوح مختلف رهبری جمهوری اسلامی از گزند، مصون بمانند.

نگرانی نسبت به سرنوشت زندانیان سیاسی افزایش یافته است

بنابر اعلام کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید، از سرنوشت اکبر توفیقی، محمد سعیدی و مرتضی شمس، از زندانیان سیاسی دوران شاه، کماکان هیچ خبری در دست نیست. این سه تن در یک برنامه کوه‌نوردی ناپدید شده‌اند و مراجعات خانواده‌هایشان به ارگان‌های مسئول و امنیتی تاکنون بی‌پاسخ مانده است.

خانواده چهار تن از فعالین سیاسی که در سال‌های اخیر مفقود شده‌اند، با ارسال نامه سرگشاده‌ای به رییس جمهور، خواستار رسیدگی به وضعیت و سلامتی این افراد شدند. بر اساس این نامه، امیر غفوری، سید محمود میدانی، مرتضی علیان نجف‌آبادی و زهرا افتخاری در زمان‌های مختلف در شهر مشهد ربه شده‌اند و تا به حال از سرنوشت آن‌ها اطلاعی در دست نیست. در این نامه آمده است که با وجود مراجعات مکرر از سال ۱۳۷۵ به کلیه مراجع قانونی و ذیربط با عدم پاسخگویی صحیح از جانب آنان مواجه شده‌ایم. اینک با توجه به برملا شدن دست عوامل توطئه در فجایع اخیر، نسبت به جان افراد فوق هشدار می‌دهیم.

خانواده یک زندانی سیاسی به نام غلامرضا یاسری که به جرم طرف‌داری از آیت‌الله منتظری بازداشت شده است، با ارسال نامه‌ای به رییس‌جمهور خواستار رسیدگی به وضع بازداشت وی شدند. در این نامه با اشاره به اقدامات ضدانسانی وزارت اطلاعات آمده است: اقدام نیروهای اطلاعاتی به آدم‌ربایی، بازرسی غیرقانونی منزل و ربودن اموال شخصی، استراق سمع، ابزاری غیرقانونی که اطلاعات برای توجیه قانون ساختگی و تصنعی خود به آن تمسک می‌جوید، احضار خانواده‌ها و لکه‌دار کردن آبرو و حیثیت اشخاص، عدم حضور وکیل در کلیه مراحل بازپرسی، سه ماه حبس انفرادی و شکنجه روحی و جسمی فردی ضعیف‌الجثه که جراحی قلب کرده و تهدید و ارباب خانواده نامبرده و... جرم محسوب می‌شود یا اتهام اشاعه تفکرات آیت‌الله منتظری؟ در این نامه همچنین آمده است: به فرض صحت ادعای وزارت مزبور مبنی بر مجرم بودن غلامحسین یاسری، خواهان برگزاری یک محاکمه علنی با حضور هیات منصفه و وکلای ایشان در یک دادگاه صالح و کاملاً بی‌طرف هستیم. از اصفهان خبرهای تازه‌ای از بازداشت طرف‌داران آیت‌الله منتظری می‌رسد. به نوشته روزنامه خرداد، چهار نفر که در برگزاری مراسم شب‌های قدر در اصفهان فعالیت داشته‌اند، به نام‌های فرزانه‌خو، منصور یارمحمدیان، محمود خیراللهی و امیری، روز ۲۶ دی ماه، در این شهر دستگیر شده‌اند.

احمد بورقانی، معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد استعفا داد

مهاجرانی وزیر ارشاد، ده‌ها سوال خبرنگاران را در مورد دلایل استعفای بورقانی بی‌پاسخ گذاشت

احمد بورقانی معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد روز دهم بهمن ماه، از سمت خود استعفا داد. استعفای او که یکی از مدافعان نسبی آزادی مطبوعات در دولت به شمار می‌رفت، یکی از خواسته‌های اصلی جناح راست حکومت از آقای مهاجرانی، وزیر ارشاد بود، اما به نظر نمی‌رسد که تنها این فشارها بورقانی را مجبور به استعفا کرده باشد. زیرا اختلافات او با وزیر ارشاد نیز بیشتر از آن آشکار شده بود که قابل پنهان کردن باشد. این اختلافات به ویژه در جریان توقیف نشریات توس و جامعه بروز کرد. بورقانی تعطیل این نشریات را غیرقانونی خواند و محکوم کرد و مهاجرانی از توقیف آن‌ها دفاع نمود و حتی خود به عنوان رئیس هیات نظارت بر مطبوعات، به توقیف روزنامه توس رای داد. ادامه این اختلافات بین مهاجرانی و معاون مطبوعاتی‌اش در مورد وظایف قانونی هیات نظارت ادامه یافت و در حالی که آقای مهاجرانی تصمیمات هیات نظارت بر مطبوعات را در مورد لغو پروانه انتشار مطبوعات قانونی اعلام کرد، معاون مطبوعاتی وی به این تصمیمات اعتراض نمود.

با این حال وزیر ارشاد در جلسه هفتگی خود با خبرنگاران، حاضر نشد به ده‌ها سوال آنان در مورد استعفای بورقانی پاسخ روشن و صریح بدهد. او اختلاف دیدگاهی در وزارت ارشاد را رد کرد ولی استعفای بورقانی را ((مساله داخلی وزارت ارشاد)) خواند، بدون این که در این باره توضیح بیشتری بدهد.

در حالی که آگاهان سیاسی، موافقت آقای مهاجرانی با استعفای بورقانی را گام دیگری در جهت سازش او با جناح محافظه‌کار برای ادامه وزارت از یک سو و مهار خواسته‌های هر دم بیشتر آزادی‌خواهانه در مطبوعات از سوی دیگر می‌دانند، جامعه مطبوعاتی کشور، با تجلیل شایسته و گسترده از بورقانی، نشان داد که در کدام سو ایستاده است.

در جلسه تودיעی که از سوی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران برای تجلیل از بورقانی برپا شد، مزروعی رئیس این انجمن طی سخنانی در مورد دلایل تقدیر از بورقانی با انتقاد غیرمستقیم از مهاجرانی، از جمله گفت: دولتمردان بعد از به قدرت رسیدن برای حفظ موقعیت حاضرند مواضع خود را تغییر دهند کمالین که خیلی این کار را کردند اما آقای بورقانی برای دفاع از اصول و مواضعی که به آن معتقد بود تا مرز استعفا پیش رفت. بورقانی در سخنانی که در این مراسم ایراد کرد گفت هر چند اقداماتی انجام شده است، اما بسیاری از برنامه‌هایی که او در نظر داشته است، بیش نرفته و در واقع کار اساسی در وزارت ارشاد برای رسیدن به معیارهای قابل قبول روزنامه‌نگاری صورت نگرفته است.

وی در سخنرانی خود در برابر روزنامه‌نگاران از جمله گفت: مایل نبودیم که هیات نظارت حکم قتل مطبوعات را صادر کند. من به‌عنوان یک شهروند، یک خبرنگار و یک مطبوعاتی و نیز کسی که مدتی مسئول معاونت مطبوعاتی بوده همواره نگران مرگ مطبوعات بوده‌ام و هرگز نمی‌توانستم به مرگ مطبوعات به دست خودمان رضایت دهم. من با بسته شدن هر نشریه‌ای متعلق به هر جناحی که باشد مخالفم مگر به حکم دقیق قانون و بعد از اثبات دقیق جرم آن هم با تفسیر مضیق به نفع متهم در دادگاه صالحه علنی و با حضور هیات منصفه. با این وجود من همچنان امیدوارم. امیدوار به حرکت و شور و شوق ایجاد شده. امیدوار به شور جوانان، بعد از دوم خرداد و افزایش تیراژ مطبوعات که مشخص شد که اگر به مردم راست گفته شود مخاطب مطبوعات خواهند بود و این همه به ما امید می‌دهد.

بورقانی در مراسمی تودיעی که در وزارت ارشاد و در حضور مهاجرانی تشکیل شد، پافشاری بر آرمان آزادی مطبوعات را دلیل اصلی استعفای خود نامید و گفت: بدانید که عمر معاونت مطبوعاتی مساویست با عمر یک‌چریک وفادار به آرمان‌هایش، شش ماه تا یکسال. اجازه دهید این چریک مطبوعاتی به آرمان‌هایش وفادار بماند.

عضویت در شوراها حق بدیهی هر شهروند ماست!

از همان لحظه‌ای که اعلام شد رسیدگی به اختلافات میان هیات‌های نظارت بر انتخابات شوراها با وزارت کشور بر سر بررسی صلاحیت داوطلبان عضویت در شوراها به یک کمیته پنج نفره تام‌الاختیار به ریاست حسن حبیبی معاون اول رییس جمهور و از معتمدان خامنه‌ای سپرده شده است، همگان دریافتند که رهبران رژیم قصد دارند ((فتیله)) انتخابات شوراها را هم مانند پرونده قتل‌های اخیر پایین بکشند و مبارزه میلیون‌ها ایرانی را برای دموکراتیک کردن شرایط برگزاری انتخابات به کژراهه بکشانند و به دفاع از این و یا آن چهره ((خوش‌نام))، اما ((خودی)) سمت دهند.

کمیته پنج نفره‌ای که قرار بود درباره تظاهرات استصوابی هیات‌های نظارت داوری کند، با اتخاذ این تصمیم که حذف شدگان برای رفع اتهام باید کتبا اقرار کنند که به ولایت‌فقیه اعتقاد دارند، آشکارا هم نظارت استصوابی را پذیرفته و هم بر سیاست حذف هزاران تن از داوطلبان مهر تایید زده است. این کمیته که ظاهراً وظیفه آن بررسی انطباق رفتار هیات نظارت و هیات اجرایی با قانون بوده است، با این تصمیم هم قانون را شکسته است و هم رای به حذف رسمی دگراندیشان و همه شهروندانی داده که حاضر به اقرار و توبه نیستند.

اعمال نظارت استصوابی، حذف دگراندیشان و چهره‌های سرشناس جناح خاتمی و تایید همه این اقدامات از طرف کمیته حل اختلاف، انتخابات شوراها را که چند روز بیشتر به آغاز آن نمانده است، در شکل و محتوا بیش از پیش غیردموکراتیک کرده است. در این انتخابات هم مانند سایر انتخاباتی که در جمهوری اسلامی برگزار شده، حضور احزاب و سازمان‌های غیرحکومتی ممنوع است. روزنامه‌ها و مجلاتی که با جناح راست هم‌صدا نیستند یک به یک تعطیل می‌شوند و چند روزنامه‌ای که می‌توانند با بسیج مردم در روند انتخابات تاثیر بگذارند، با حربه توقیف و تهدید مواجه‌اند.

در ایجاد این شرایط و افزایش محدودیت‌ها، جناح خامنه‌ای حساب شده عمل می‌کند. این جناح زمانی که دریافت لغو و یا تعویق انداختن انتخابات شوراها به دلیل مقاومت همه‌جانبه مردم غیرممکن شده است، تصمیم گرفت با اعمال نظارت استصوابی، انتخابات را کنترل کند و نگذارد شوراهایی تشکیل شوند که در آینده کانون اعتراضات عمومی و بسیج مردم علیه استبداد و ولایت‌فقیه باشند.

در تغییر شرایط غیردموکراتیک حاکم بر روند برگزاری انتخابات، نیروهای اصلاح‌طلب جناح خاتمی به دلیل عدم قاطعیت در دفاع از دموکراسی، آزادی احزاب غیرحکومتی، مبارزه علیه تبعیض عقیدتی سیاسی مردم و تقسیم شهروندان به خودی و غیرخودی، نتوانسته‌اند تاثیر مهمی بگذارند و اعتماد مردم را نسبت به تشکیل شوراهای مستقل در سطح وسیع جلب کنند. مردم شورا می‌خوانند اما نه هر شورایی را. شوراهایی که جناح راست قصد دارد ایجاد کند، فرمایشی و در خدمت ولایت‌فقیه باشند. مردم شوراهایی می‌خواهند که دموکراتیک باشند و احزاب غیرحکومتی بتوانند در آنها حضور داشته باشند و حق مشارکت در امور کشور و اتخاذ تصمیمات سیاسی از آنان سلب نشده باشد. اصلاح‌طلبان تاکنون توضیح نداده‌اند که از کدام شوراها دفاع می‌کنند و شوراهای موردنظر آنان از چه شرایطی برخوردارند. آن چه در قانون شوراها، مصوب سال ۷۵ آمده است، با خواست مردم و شوراهای مستقل و واقعی فرسنگ‌ها فاصله دارد. این فاصله طی بیست ساله گذشته بیشتر شده و حدود اختیارات شوراها از یک ارگان تصمیم‌گیرنده تا حد ناظر تنزل کرده است.

وزیر کشور، موسوی لاری، پیش از تشکیل کمیته پنج نفره گفته بود اگر فردی رد صلاحیت شود، اما این رد صلاحیت مورد قبول وزارت کشور نباشد، نام او را اعلام می‌کنیم تا مردم رای خودشان را درباره آن فرد بدهند. وزیر کشور تاکنون نه سخنی در رد این وعده وعده گفته و نه در باره داوری کمیته پنج نفره که شرط التزام به ولایت‌فقیه را اعلام کرده است. انتظار مردم آن است که وزیر کشور به وعده‌اش عمل کند.

مردم باید در این انتخابات به تصمیمات ارتجاعی هیات‌های نظارت اعتنایی نکنند و به کاندیداهایی که خود مایلند، بدون توجه به نظر هیات‌های اجرایی درباره آنها رای دهند. به هیات‌های نظارت نباید اجازه داد به جای مردم تصمیم بگیرند و از حضور نمایندگان آنان در انتخابات شوراها جلوگیری کنند. باید تصمیم‌های این هیات را با شرکت در انتخابات و رای به کاندیدای مورد نظر خود، بی‌اعتبار کرد.

اعتراض افکار عمومی به مسکوت ماندن پرونده قتل آزادی‌خواهان کشور مردم دستگیری و مجازات قاتلین را می‌خواهند

در نمایشات پرزرق و برق جشن‌های انقلاب، فاجعه کشتار نویسندگان و آزادی‌خواهان کشور را به دست فراموشی سپرده‌اند
مردم می‌پرسند آیا دادگاه قاتلان به عمر ما کفاف خواهد داد؟

هم دولت آقای خاتمی و هم جناح طرفدار خامنه‌ای، به توصیه هاشمی رفسنجانی عمل کرده و ((قتیله‌ها)) را پایین کشیده‌اند، چنان پایین کشیده‌اند، که اگر چند روزنامه‌ای که هنوز از قتل‌ها می‌نویسند و مردمی که خواهان پیگیری این موضوع و معرفی و مجازات قاتلان هستند، نبودند، انگار نه انگار که در این کشور جنایاتی اتفاق افتاده که نه تنها مردم ایران، بلکه افکار عمومی جهانی را نیز شوکه ساخته است. رییس‌جمهور، دولت وی و کمیته تحقیق قتل‌ها، همه وعده‌های خود در مورد معرفی، دستگیری و مجازات عامران و آمران قتل‌های نویسندگان و روشنفکران کشور پس از اطلاعیه دوم کمیته تحقیق را به فراموشی سپرده‌اند و بیش از دو هفته است که پرونده این جنایات پی‌درپی و تکان‌دهنده را بایگانی کرده و مشغول جشن و سرور شده‌اند. فرا رسیدن جشن‌های بزرگداشت بیستمین سالگرد انقلاب بهمن، فرصت مناسبی را در اختیار حکومت قرار داده است تا با پرداختن به این موضوع، توافق ننگینی را که از سوی مقامات عالیرتبه رژیم برای ((منسی کردن)) این جنایات و درپیش گرفتن سیاست سکوت صورت گرفته است، به نحو مناسبی پیش برند.

مردم: قاتلان را معرفی کنید!

مردم فراموش نکرده‌اند. آن‌ها در پس چهره کسانی که این روزها به بزرگداشت انقلاب آنان برای آزادی و عدالت مشغولند، چهره قاتلینی را می‌یابند که بزرگداشت انقلاب را وسیله فراموشی جنایاتشان ساخته‌اند و اگر این سکوت ادامه یابد، دیگر تردیدها زایل خواهد شد که همه سران رژیم در جنایت و در پنهان کردن جنایت همدست شده‌اند.

اطلاعیه دوم کمیته تحقیق که آبی بر آتش دولت، آقای خاتمی، طرفداران مقام‌دار او و از جمله اعضای خود این کمیته بود، آتش مردم را خاموش نکرده است و آنان همچنان مصرانه دستگیری و معرفی و مجازات قاتلین را طلب می‌کنند. مردم در چند روزنامه‌ای که هنوز از قتل‌ها می‌نویسند، بر خواست خود اصرار و تاکید می‌کنند. یک طراح می‌گوید: من به عنوان کسی که هیچ نقشی در سیاست ندارم و تنها یک شهروند عادی هستم، توضیحات هیات سه‌نفره را نمی‌پذیرم، هر چند پیش‌بینی می‌کردم که مساله به این صورت ختم شود. ولی نمی‌توانم قبول کنم که یک عده دور هم جمع شده‌اند و بدون دستور مافوق تصمیم گرفته‌اند یک عده دیگر را بکشند. یک کارمند در این مورد چنین می‌گوید: از ابتدا کاملاً مشخص بود که این قتل‌ها نتیجه جناح‌بندی‌های سیاسی است. دلیل من هم برای این مدعا این است که اگر این قتل‌ها جناحی نبود، چرا تمام مقتولین از یک خط فکری مشخص بودند. بنابر این صدور این اطلاعیه هم نتیجه یک معامله سیاسی است و غیر از این نمی‌تواند باشد. یک خواننده روزنامه سلام سکوت این روزنامه پس از اطلاعیه کمیته تحقیق در مورد قتل‌ها را چنین مورد انتقاد قرار داده است: می‌خواستم بدانم چطور شد شما عزیزان حرف گوش‌کن شدید و قتیله چراغتان را پایین کشیدید ولی دیگران این کار را نکردند و قتیله‌ها را بالاتر و بالاتر هم کشیدند تا در پرتوی بیشتر، بهتر ببینند. آن طور که شما قتیله را پایین کشید، دیگر نمی‌توان جایی را دید و باید کورمال کورمال دنبال روزنامه‌تان گشت! یک دختر دانشجو چنین می‌گوید: بسیار خوب، ما قبول می‌کنیم که این قتل‌های اخیر کار هیچ یک از جناح‌های سیاسی نبوده و محفلی بوده است، پس لااقل این محفل را به مردم معرفی کنید!

اما این انتظار نیز بیهوده است. یک نفر از اصفهان به طنز از روزنامه خرداد پرسیده است: آیا دادگاه این قاتلان به عمر ما وصال خواهد داد؟ و روزنامه صبح امروز در گزارشی که به دنبال انتشار اطلاعیه دوم کمیته تحقیق چاپ کرد، نوشت:

اوضاع جالبی است. مطبوعات متهم می‌شوند که حرف‌های بیگانگان را می‌زنند، آمران قاتلان احساس خطر چندانی نمی‌کنند. سیاستمداران عاقلانه رفتار کردن در جریان پیگیری قتل‌ها را به سکوت مطبوعات و پذیرش دعوت به گفتگو از سوی برخی عناصر عمده سیاسی تعبیر می‌کنند و قاتلان؟ راستی آن‌ها کجایند و نامشان چیست؟ باز می‌آیند؟

و این سوالی است که امروز هر کس از خود می‌پرسد: قاتلان دوباره باز می‌آیند؟ طرح این پرسش رعب‌انگیز ناشی از یک عهدشکنی است، عهدشکنی آقای خاتمی که به مردم وعده داد تا آخر قضیه خواهد رفت، اما به نیمه راه نرسیده وعده‌های خود را فراموش کرد.

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت فرارسیدن ۱۹ بهمن



نوزدهم بهمن ماه ۱۳۴۹ گرامی باد!

رفقا!

بیست و هشتمین سالگرد بنیان‌گذاری سازمان را به همهی شما رفقا شادباش می‌گوئیم و دست تک تک شما یاران پایدار در مبارزه برای دموکراسی و عدالت اجتماعی را به گرمی می‌فشاریم. جنبش ما کار سترگ خود را با چند گروه کوچک از انسان‌های بزرگ آغاز کرد و در زمانی کوتاه تاریخی پرحجم را پدید آورد. امید به تغییر رژیم استبدادی و بیدادگر در کشور و احساس مسئولیت عظیم برای تحقق این امید و آرزوی انسانی و شریف، ویژگی برجسته‌ی آغازگران جنبش ما، و باور به آنچه که حقیقت فهمیده می‌شد و صداقت و فداکاری در راه این باور، شناسنامه‌ی هر فدائی خلق بود. راز و رمز ریشه‌دوانیدن جنبش فدائی در صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی میهنمان، تنها در آن نبود که فدائیان اهداف والای مردمی را آرمان‌های خود قرار دادند، بیش از آن در این واقعیت نهفته بود که ما همهی هستی خود را در راه تحقق باورهایمان فدا کردیم.

رفقا!

از حماسه‌ی تاریخی سیاهکل تا پدید آمدن سازمان فدائی در پهنه‌ی سیاسی کشورمان، و از نقش‌آفرینی فدائیان خلق در انقلاب بهمن تا برآمد سازمان به عنوان یک نیروی مردمی در هر نقطه از ایران ما، و تا به امروز که همچنان چون دوره‌ی حاکمیت شاه دیکتاتور زیر شدیدترین سرکوب‌ها قرار گرفته‌ایم، ۲۸ سال می‌گذرد. این ۲۸ سال برای ما سراسر زمان تغییر و تحول بوده و در همانحال سراسر ثبات در اصلی‌ترین آرمان‌هایی که از روز نخست آنها را پرچم خود قرار دادیم. اینک ما در ادامه‌ی راه پرفراز و نشیب، و مملو از آزمون‌های کامیاب و ناکام، براین باور هستیم که: نه خود را ولو با نیت خیر قیم مردم بدانیم و نه با هیچ‌نوع قیم‌آبی کنار بیائیم. عشق به مردم و خوشبختی‌خواهی برای توده‌های خلق، بیش از همه در آن تجلی می‌یابد که به حق مردم برای تعیین سرنوشت خودشان احترام بی‌خدا قائل شد. مهمترین دستاورد فکری ما طی همهی حیات سیاسی و نظری‌مان در آنست که یاور مردم باشیم تا بتوانند خود اعمال حاکمیت کنند، و تا خود با رای خود حکومت را برگزینند و آنرا کنترل کنند. یک برنامه‌ی سیاسی- اجتماعی مدافع حقوق مردم زحمتکش زمانی می‌تواند به اجرا درآید که با پذیرش آگاهانه و داوطلبانه‌ی توده‌ها و با مشارکت مستقیم و وسیع آنان همراه باشد. مقدمه‌ی چنین امری هم، استقرار دموکراسی بجای هر نوع از استبداد و دیکتاتوری است. چنین است که سازمان ما امروز با همهی وجود در راه مبارزه با موانع سیاسی و فرهنگی نظام مردم‌سالاری در جامعه گام برمی‌دارد. و چنین است که ما با هرگونه از مظهر استبداد فکری و سیاسی در کشورمان، چه در وجود رژیم مستبد حاکم و چه در میان مخالفان رژیم، مخالفت می‌کنیم و مخالفت خواهیم کرد.

رفقا!

ما این سعادت را داریم که در بیست و هشت سالگی جنبش فدائی خلق، شاهد گسترده‌ترین و در همانحال ژرفترین تلاش‌ها در راه آزادی و دموکراسی در کشورمان هستیم. مبارزه بخاطر آزادی فکر و عقیده و تلاش برای تاثیرگذاری و در دست گرفتن روندهای سیاسی در کشور توسط مردم- مردمی که از حق رای خود نمی‌گذرند و رای خود را وسیله‌ی موثر مبارزه‌ی سیاسی قرار می‌دهند- هیچگاه و هرگز اینگونه در جامعه‌ی مانهادینه نشده بود. روندی که در مخالفت با استبداد حاکم در میهنمان جریان دارد و هشیارانه در اندیشه‌ی تسخیر سنگر به سنگر مواضع استبداد است، روندی بی‌بازگشت و پیوند با این روند، همانا وظیفه‌ی استراتژیک و روز ما را تشکیل می‌دهد. ما بزرگداشت یاد و خاطره‌ی رفقای فدائی خلق خود در طول ۲۸ سال گذشته را جز این نمی‌دانیم که هرآنچه در توان داریم برای مبارزه بخاطر آزادی و دموکراسی در کشورمان به کار گیریم تا به هدف غایی و انسانی خود که استقرار جامعه‌ی پیشرفته و دادگرانه در ایران ماست، برسیم.

درود به نام و خاطره‌ی همهی فدائیان خلق که به خاطر آزادی و سعادت مردمشان جان باختند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۹ بهمن‌ماه ۱۳۷۷

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیرامون انتخابات شوراها

به حذف هیچ کس تن ندهید!
مردم را به شرکت در انتخابات فرا می‌خوانیم

مردم آگاه ایران!

روز ۷ اسفند قرار است انتخابات شوراها در سراسر کشور برگزار شود. برگزاری این انتخابات اگر با شرکت وسیع و همگانی و بدون تن دادن به محدودیت‌های اعمال شده برگزار شود، نمایش بزرگ دیگری خواهد شد از قدرت بیکران مردم، قدرتی که می‌تواند دریچه تازه‌ای بر روی آزادی و دموکراسی باز نماید. این که از هر ۲۰۰ نفر کوچک و بزرگ یک نفر نامزد نمایندگی شوراها شده است، خود نشان می‌دهد که چه نیروی عظیمی در این کشور برای مشارکت در تعیین سرنوشت خویش بسیج شده است.

این انتخابات در شرایطی برگزار می‌شود که نه تنها حق مردم برای حضور، فعالیت و مشارکت در قالب احزاب سیاسی مورد قبول خود، با توسل به زور نقض شده است، بلکه حتی به بخشی از نیروهای حکومت هم اجازه داده نمی‌شود در این انتخابات نامزد باشند. آن‌ها به ناحق اعتقاد عملی به ولایت‌فقیه را جزو شرایط ضرور برای نامزدی اعلام کرده‌اند. به علت وجود این شرط همه کسانی که اساساً اعتقادی به ولایت‌فقیه ندارند یا از مراجعه و ثبت‌نام پرهیز کرده و یا برای ثبت‌نام مراجعه کرده اما بند مربوط به اعتقاد عملی به ولایت را خالی گذاشته‌اند و به همین بهانه توسط هیات‌های نظارت حذف شده‌اند. جناح راست به این نیز رضایت نداده و آقای موحدی ساوجی که از سران آن‌ها و مسئول کمیسیون نظارت بر انتخابات شوراهاست، برای خالی کردن میدان انتخابات از رقبا، صلاحیت سرشناس‌ترین نیروهای جناح رقیب را نیز مردود اعلام کرده است. در مقابل وزارت کشور اعلام کرده که آقای موحدی ساوجی حق ندارد سرخود کسی را فاقد صلاحیت تشخیص دهد و ((رد صلاحیت)) اگر توأم با ارائه دلیل نباشد، از نظر آن وزارت مسموع نیست و لذا مردم می‌توانند به کاندیداهایی که بدون علت ((رد صلاحیت)) شده‌اند نیز رای بدهند.

یاران و دوست‌داران سازمان!

سازمان ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، یگانه مرجع تعیین صلاحیت نامزدهای نمایندگی را رای مردم می‌شناسد و به این وسیله اعلام می‌کند که هم همه کسانی که طبق قوانین ضد دموکراتیک رد صلاحیت می‌شوند و هم همه کسانی که صلاحیت آن‌ها به طور قانونی مردود اعلام شده است، حق دارند در انتخابات شرکت کنند.

از نظر ما نه قوانین غیردموکراتیک و نه اقدامات غیرقانونی هیچ کدام نمی‌تواند و نباید مانع از آن شود که مردم رای خود را به نام نامزدهائی به صندوق بریزند که صلاحیت آن‌ها رد شده است.

براین اساس شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از شما و یاران دوستداران سازمان دعوت می‌کند:

۱- قطع‌نظر از این که مقامات حکومتی نامزدی چه کسی را تایید یا رد کنند، در روز انتخابات پای صندوق‌ها حاضر شوید اما رای خود را فقط به نامزدهایی بدهید که خود شما آن‌ها را به عنوان نماینده قبول دارید، اعم از این که نام آن‌ها در لیست باشد یا نباشد.

۲- اگر نام نامزدهای مورد قبول شما در لیست‌های اعلام شده وجود نداشت، اسامی دیگر را خط بزنید و اسامی مورد نظر را اضافه کنید.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شانزدهم بهمن ماه ۱۳۷۷



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

آدرس کار در اینترنت : <http://www.geocities.com/CapitolHill/2902/>
آدرس پست الکترونیکی : fadai.aksariyat@magnet.at

I.G.e.v : آدرس پستی
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :
مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب
22 44 20 32 : شماره حساب
37 05 01 98 : کد بانک
Stadtsparkasse : نام بانک
Köln
Germany